

مبانی اقدامات ائتلاف ضد داعش در عراق براساس حقوق مخاصمات مسلحانه

حمید الهویی نظری^{۱*}، امیر فامیل زوار جلالی^۲

چکیده

دولت اسلامی عراق و شام یا همان داعش، یک سازمان تروریستی سیاسی و نظامی است که از سال ۲۰۱۴ به طور چشمگیری تیتتر رسانه‌ها شد. این گروه که حضور گسترده‌ای در عراق و سوریه دارد، با تشکیل خلافت اسلامی به رهبری ابوبکر البغدادی، یک دولت اسلامی را به مرکزیت شهر الرقه در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ ایجاد کرد. بعد از تشکیل این خلافت و آغاز اقدامات سختگیرانه و گسترده در مناطق تحت تصرف و با ادامه حملات و پیشروی به شهرهای مختلف در سوریه و عراق و به دنبال واکنش مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت نسبت به این گروه تروریستی، طرح تشکیل ائتلافی بین‌المللی از سوی ایالات متحده آمریکا برای مبارزه با داعش مطرح شد. با گذشت بیش از یک سال از عمر این ائتلاف، بررسی نوع مخاصمه در عراق بعد از ورود نیروهای ائتلاف و مبنای حقوقی حضور ائتلاف در عراق مفید به نظر می‌رسد. تحقیقات و بررسی‌ها نشان‌دهنده این است که اصل ورود ائتلاف در عراق، از لحاظ بین‌المللی غیرقانونی نبوده است.

کلیدواژگان

ائتلاف بین‌المللی ضد داعش، توسل به زور، حقوق بشردوستانه عراق، داعش.

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران (نویسنده مسئول). Email: soohan@ut.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران.

Email: azjalali@alumni.ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۶

مقدمه

در ایام حمله ایالات متحده آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، هزاران نفر از طرفداران القاعده تحت تأثیر فرمان جهادی اسامه بن لادن برای مقابله با اشغالگران، روانه عراق شدند که از مهم‌ترین این افراد که نقش اصلی و اساسی در تشکیل یک جنبش جهادی در عراق داشت، ابومصعب الزرقاوی بود. وی مدت کوتاهی پس از اشغال عراق، جمعی از جنگجویان عراقی را به دور خود جمع کرد و گروه جماعت توحید و جهاد را در این کشور تشکیل داد (تودنهورف، ۱۳۹۴: ۱۴) که بعد از هشت ماه مذاکره با سران القاعده به «القاعده بین‌النهرین» تغییر نام یافت و در واقع به شاخه‌ای از القاعده در عراق تبدیل شد. این سازمان دربردارنده بخش‌های مختلفی از جمله، شاخه نظامی، گردان اطلاعات و شناسایی، هیأت فرعی، بخش رسانه‌ای و یک کمیته مالی بود که همگی در کنار هم و تحت زعامت الزرقاوی در عراق فعالیت می‌کردند. بعد از کشته‌شدن الزرقاوی در ژوئن ۲۰۰۶ در حمله هوایی هواپیماهای آمریکایی به محل استقرارش، سازمانی منسجم، هماهنگ، قوی و پرنفوذ از وی به جا مانده بود که زمینه را برای تشکیل دولتی اسلامی فراهم می‌کرد. در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۶ خبر تشکیل «حلف‌المطیبین»^۱ اعلام شد که دولتی بود شامل چند استان سنی عراق به رهبری ابوعمر بغدادی که همراه دو کابینه به‌نوعی مناطقی چون الانبار، کرکوک، نینوا، دیالی، صلاح‌الدین و بابل را اداره می‌کرد. هنگامی که در ۱۹ آوریل ۲۰۱۰ خبر کشته‌شدن امیر دولت اسلامی عراق، ابوعمر بغدادی، اعلام شد، دولت اسلامی عراق به سرعت به تغییر فرماندهان ارشدش اقدام کرد و در بیانیه مجلس شورای مجاهدان که در ۱۶ مه ۲۰۱۰ منتشر شد با ابوبکر البغدادی در حکم امیرالمؤمنین در دولت اسلامی بیعت کرد و در نتیجه ابوبکر البغدادی رهبری این گروه را به عهده گرفت (ابوهنیه، ۱۳۹۳: ۵۸).

پس از آغاز حوادث سوریه و زمانی که مقاومت مسلحانه علیه بشار اسد در سوریه به طور موازی شروع به حرکت کرد، البغدادی در پایان سال ۲۰۱۱ سازمان تروریستی «جبهه النصره» را به رهبری ابومحمد الجولانی در سوریه پایه‌گذاری کرد و تا سال ۲۰۱۳ جبهه النصره جزو قوی‌ترین گروه‌های شورشی در سوریه به شمار می‌رفت. این گروه به قدری قدرتمند شد که البغدادی لازم دانست به طور علنی توضیح دهد که جبهه النصره در واقع چیزی غیر از دولت اسلامی عراق در سوریه نیست. در نتیجه از جولانی خواست که به طور رسمی با وی بیعت کند، اما وی از این کار امتناع کرد و با رهبر القاعده یعنی «ایمن الظواهری» بیعت کرد (تودنهورف، ۱۳۹۴: ۱۹). در واکنش به این اقدام، البغدادی از جانب خود انحلال جبهه النصره را اعلام و ادغام آن را با دولت اسلامی عراق و تشکیل دولت اسلامی عراق و شام (داعش) طی پیامی صوتی خبری کرد (فامیل زوار جلالی و بهمنی جلالی، ۱۳۹۵: ۵۹). در نتیجه مسیر داعش از

جبهه النصره به کلی جدا شد، به طوری که در مناطق مختلفی با یکدیگر وارد نبرد مسلحانه نیز شدند. در ادامه همین رویداد، در فوریه ۲۰۱۴، القاعده نیز در بیانیه‌ای کتبی رسماً داعش را رد کرد و از آن برائت جست: «داعش، از شاخه القاعده نیست. ما هیچ ارتباط سازمانی با آن نداریم و القاعده در برابر اعمال این گروه مسئولیتی ندارد» (Tester & Berger, 2016: 43).

در اواخر ۲۰۱۳ و اوایل ۲۰۱۴ داعش پایگاه‌های قدرت خود را در سوریه تأسیس و پایگاهی امن در رقه برای خود ایجاد کرد و کنترل کامل آن منطقه را پس از برکناری تمام گروه‌های شورشی به دست گرفت، اما جهش بزرگ داعش در ژوئن ۲۰۱۴ با تسلط بر سرزمین‌های عراق صورت گرفت. اکثر این شهرها از جمله: نینوا، صلاح‌الدین دیالی بابل و سامرا، بدون هیچ‌گونه مقاومت قابل‌ملاحظه‌ای سقوط کردند (خواجه، ۲۰۱۴: ۸۹). داعش با تصرف موصل، دومین شهر بزرگ عراق و حمله به استان صلاح‌الدین و دیگر شهرهای آن، حیطة تصرفات خود را تا حدی گسترش داد که کمتر گروه تروریستی تاکنون به چنین موفقیتی دست یافته بود.

پس از ذکر این مقدمه، در ادامه اقدامات گروه تروریستی داعش را در مناطق تحت تصرف خود که در تشکیل ائتلاف ضد داعش نیز مؤثر بوده است بررسی خواهیم کرد. سپس، مبانی حقوقی حملات ائتلاف در عراق به دقت بررسی خواهیم کرد. همچنین، اینکه نوع مخاصمه در عراق، قبل و بعد از حضور ائتلاف به چه صورت است و آیا زمینه برای اجرای حقوق بشردوستانه فراهم است؟ بررسی خواهد شد.

گروه تروریستی داعش

گروه تروریستی داعش با ادامه تجاوزات خود در عراق و بعد از تصرف شهرهای بزرگ این کشور از جمله موصل که کلان‌شهری با دو میلیون نفر جمعیت است، سرانجام در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ (در اولین روز ماه مبارک رمضان)، برپایی خلافت اسلامی و تبدیل نام دولت اسلامی عراق و شام به «دولت اسلامی» (به صورت مطلق) و منصوب شدن ابوبکر البغدادی به خلافت را اعلام کرد و خواستار وفاداری و بیعت فوری همه مسلمانان جهان شد (Clarion Project, 2015: 11). این گروه تروریستی در زمانی بسیار کوتاه، به جدی‌ترین تهدید برای دولت عراق پس از سرنگونی رژیم صدام و خروج نیروهای امریکایی در سال ۲۰۱۱ مبدل شد (آرزومانیان و آکوپیان، ۱۳۹۴: ۱۴). در ادامه بخش‌های مختلف گروه داعش، مناطق تحت تصرف و اقدامات غیرانسانی آن‌ها را در مناطق تحت سلطه معرفی می‌کنیم.

۱. ارکان گروه تروریستی داعش

داعش از لحاظ ساختار تشکیلاتی و فعالیت‌های اداری از مهم‌ترین و پیشرفته‌ترین جنبش‌های

افراطی جهان به شمار می‌رود. تشکیلات سازمانی آن، در دوران ابوعمر البغدادی از ده پست وزارتی تشکیل شده بود، اما در زمان ابوبکر البغدادی، به دلیل تسلط بر مساحت جغرافیایی گسترده در سوریه و عراق و اعلام خلافت، این تقسیم‌بندی تغییرات جزئی یافت. به طور کلی، ساختار تشکیلات داعش، از آغاز به شکل هرم بنا شده است که خلیفه در رأس آن قرار دارد و به صورت مستقیم بر شوراهای زیر نظر خود مسلط است (نجات، ۱۳۹۵: ۷۱). بخش‌های زیر از مهم‌ترین ارکان سازمان داعش به شمار می‌روند:

- مجلس شورا؛ که در خصوص بحث پیرامون قضایای جاری و اتخاذ تصمیمات مهم و تعیین سیاست‌های کلی تشکیل جلسه می‌دهد.

- اهل حل و عقد؛ که اختیار نصب خلیفه و بیعت با وی را بر عهده دارد.

- هیأت فقهی؛ که با توجه به ماهیت دینی اش از مهم‌ترین ارکان دولت اسلامی محسوب می‌شود.

- هیأت رسانه‌ای؛ که با تولید و انتشار فیلم‌هایی از نحوه اعدام مخالفان این گروه، چاپ

مجلات، فعالیت در فضای مجازی و سایر فعالیت‌های اینترنتی به تبلیغ خود می‌پردازد.

- شورای نظامی؛ که مهم‌ترین بخش داخلی سازمان محسوب و از فرماندهان تیپ‌ها تشکیل

می‌شود. هر تیپ دربرگیرنده سه گردان و هر گردان شامل ۳۰۰ تا ۳۵۰ رزمنده است. هر گردان نیز شامل چند گروهان می‌شود که هر یک ۵۰ تا ۶۰ رزمنده را در خود جای داده است. همچنین، براساس آمار دیده بان حقوق بشر در سوریه در اوت ۲۰۱۴، تعداد جنگجویان داعش، در حدود ۸۰ هزار نفر برآورد شده است.

- شورای امنیت؛ که مسائل سیاسی و امنیتی و هر آنچه به امنیت شخصی خلیفه مربوط

می‌شود را بر عهده دارد (فامیل زوار جلالی، ۱۳۹۴: ۱۳۰-۱۴۰).

۲. مناطق تحت تصرف گروه تروریستی داعش

گروه تروریستی داعش منطقه وسیعی از سوریه و عراق را در اختیار دارد و هدف آن در قدم نخست، تصرف تمام عراق و منطقه شامات است؛ اما شبه جزیره عربی و شمال آفریقا و اندلس تا خراسان بزرگ نیز در نقشه ترسیمی آن‌ها وجود دارد. حوزه تسلط پرسرکوب و پر از خشونت داعش، هم‌اکنون از مرزهای حلب در سوریه شروع می‌شود و تا هشتاد کیلومتری بغداد گسترش می‌یابد. درواقع هلال داعش از حلب آغاز و با گذر از رقه و دیرالزور سوریه به نینوا، الانبار و صلاح‌الدین در عراق ختم می‌شود. این سرزمین هلالی‌شکل، موقعیت جغرافیایی کشوری است که داعش سعی دارد دولت خود را تحت شعار «دولت اسلامی» برپا کند (نجات، ۱۳۹۵: ۹۴).

البته با حملات روسیه به این مناطق، داعش از برخی مناطق تحت سلطه خود عقب‌نشینی کرده و بسیاری از پایگاه‌های خود را از دست داده است. شهر استراتژیک الرقه در سوریه

پایتخت داعش محسوب می‌شود. گفتنی است که داعش، علاوه بر مناطق تحت سلطه در دو کشور عراق و سوریه، در کشورهای چوچون، الجزایر، لیبی، نیجریه، افغانستان و ازبکستان نیز دارای ولایت است (فامیل زوار جلالی، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

۳. داعش، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از مهم‌ترین قواعد حقوقی در جهت حمایت و حفاظت از انسان و کرامت انسانی به شمار می‌روند. حقوق بشر و حقوق بشردوستانه هر دو از فرد حمایت می‌کنند، اما این کار را در شرایط مختلف و به شکل‌های متفاوت انجام می‌دهند. حقوق بشر همواره و در همه شرایط، اعم از جنگ و صلح، از انسان حمایت می‌کند، اما حقوق بشردوستانه، یک نظام حقوقی است که فقط در زمان درگیری مسلحانه قابلیت اجرا می‌یابد. به عبارت دیگر، حقوق بشردوستانه از «هسته سخت»^۱ حقوق بشر^۲ در زمان وقوع درگیری‌های مسلحانه حمایت می‌کند (سیاه‌رستمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵).

اما گروه تروریستی داعش، به قواعد و مقررات حقوق بشری بی‌اعتناست و به نام اسلام مرتکب اعمالی می‌شود که هیچ سنخیتی با اسلام ناب محمدی (ص) ندارد. این گروه نسبت به هر کسی که با آن‌ها مخالف یا از فرقه و مذهبی باشد که داعش که با آن مخالف است، هیچ رحمی نشان نمی‌دهد. به غیر از دشمنان جنگی خود، آن‌ها تمام شیعیان و دیگر فرقه‌های منحرف از اسلام (به زعم خود) را تکفیر می‌کنند.

یکی از عرصه‌های جنایت داعش، اعدام مسئولان سیاسی، امامان جماعت، پزشکان، خبرنگاران و افرادی است که پیرو دینی غیر از اسلام هستند. برای مثال، داعش تاکنون ۳۷۵ امام جماعت و سخنران سنی مذهب را اعدام کرده است. اعدام ده‌ها پزشک به دلیل خودداری کردن از رفتن به مقرهای داعش و تیرباران ۵۰ نفر از خبرنگاران و فعالان حوزه رسانه در حلب به علت هماهنگ نبودن با سیاست‌های آنان از دیگر جنایات این گروه افراطی است (خندان، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

این گروه تروریستی پرونده طولانی در سر بریدن افراد غیرنظامی دارد و این جنایت خود را با افتخار به رخ جهانیان می‌کشد. برای مثال، داعش در لیبی فیلمی را منتشر کرد که در آن ۳۰ مسیحی مصری، اتیوپیایی و ۳۰ مسیحی اروپایی را سر بریده است (<http://www.clarionproject.org/analysis/isis-end-times-prophecies-justify-beheading-copts>).

1. Hard Core

۲. توضیح آنکه همه حق‌های بشری اعتبار یکسانی ندارند و بعضی از آن‌ها را تحت هیچ شرایطی نمی‌توان نادیده گرفت و در نتیجه به آن‌ها هسته سخت حقوق بشر می‌گویند. مانند: حق حیات. در مقابل برخی حقوق بشر هستند که تحت شرایطی می‌توان آن‌ها را به حالت تعلیق درآورد مانند: حق آزادی اجتماعات.

مبارزان دولت اسلامی در آگوست ۲۰۱۴ نیز ایزدیان، اقلیت باستانی بومی شمال عراق، را قتل عام کردند. ده ها هزار نفر از خانه های خود رانده شدند و در کوه سنجار بدون آب و غذا به دام افتادند. تمام اطراف کوه از طریق جهادگرایان محاصره شد و آن ها هیچ راه فراری نداشتند <http://www.clarionproject.org/news/20000-yazidis-rescued-kurds-islamic-state-> (advances).

پس از این واقعه سازمان عفو بین الملل، با انتشار گزارشی مدعی پاک سازی قومی گروه تروریستی داعش شد. هدف گرفتن سیستماتیک غیرعرب ها و مسلمانان غیرسنی، ربودن هزاران زن و کودک ایزدی و سوءاستفاده جنسی، ازدواج اجباری یا بردگی جنسی آن ها از جمله اعمالی بود که عفو بین الملل به آن ها اشاره کرد. همچنین، در گزارش آمده است که بیشتر اقلیت هایی نیز که موفق به فرار شده اند، هیچ امکاناتی برای زندگی با خود همراه ندارند (زرگری نژاد، ۱۳۹۴: ۶). تخریب بناهای تاریخی و موزه ها، به آتش کشیدن کتابخانه ها، به کارگیری کودکان در مخاصمات و غیره از دیگر جنایات این گروه تروریستی است (خندان، ۱۳۹۴: ۱۳۶).

با توجه به سازمان یافته بودن داعش که معرفی ساختار آن در قسمت اخیر گواهی بر این مدعاست و همچنین با توجه به ارتکاب جنایت های گوناگون این گروه در مناطق تحت تصرف خود و به دنبال اینکه شورای امنیت در قطعنامه های ۲۱۶۹، ۲۱۷۰، ۲۱۷۸ و ۲۱۹۹ این گروه تروریستی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی تلقی کرد، زمینه برای تشکیل ائتلافی بین المللی علیه داعش به رهبری ایالات متحده آمریکا فراهم شد که در ادامه به بررسی آن می پردازیم.

تشکیل ائتلاف بین المللی ضد داعش

رشد و نفوذ داعش در عراق و کسب موفقیت های پی در پی در تصرف شهرها و به دست آوردن سرزمین های بسیار در این کشور در ژوئن ۲۰۱۴، دولت عراق را غافلگیر کرد. این سرعت حمله سبب شد تا دولت عراق، حمایت و مداخله جامعه بین المللی از طریق حمایت هوایی، هماهنگ با ارتش عراق و اصول حقوق بین الملل، بدون به خطر انداختن جان غیرنظامیان و احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی دولت عراق را خواستار شود (S/2014/440 (25 June 2014), (S/2014/691 (22 September 2014)).

دولت عراق در سپتامبر ۲۰۱۴ طی نامه ای به رئیس شورای امنیت سازمان ملل، «رضایت صریح» خود را اعلام کرد. دولت عراق در این نامه عنوان داشت: «با توجه به موافقت نامه های دوجانبه و چندجانبه این کشور با کشورهای دیگر از دولت ایالات متحده می خواهد تا با رهبری نیروهای بین المللی به حمله علیه گروه تروریستی داعش مبادرت نماید» (S/2014/691, 22).

(September 2014). همچنین، «هوشیار زیباری»، وزیر امور خارجه عراق، اعلام کرد که دولت عراق رسماً از ایالات متحده آمریکا برای حمله به مراکز داعش درخواست کمک کرده است (<http://www.hawzah.net/fa/news/view/97241/>).

دولت ایالات متحده نیز با صدور اعلامیه رئیس جمهور اوباما، به این درخواست پاسخ مثبت داد. اوباما در بیانیه خود عنوان کرد که «امریکا قصد دارد تا اقدامات خود را علیه داعش که در عراق و سوریه مستقر است افزایش دهد تا هم‌پیمانان خود را از خطر دور نگه دارد و مانع گسترش جنگ شود...» (Statement by the President on ISIL, September 10, 2014). در همین خصوص رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا متکی بر درخواست دولت عراق از این کشور، برای مداخله دستور حمله هوایی به مواضع داعش را صادر کرد. این عملیات برای جلوگیری از حرکت تروریست‌های داعش در استان اربیل بوده است (<http://www.entekhab.ir/fa/news/175524>).

به موازات ارتکاب جنایت‌های گوناگون داعش در عراق و به دنبال اعدام دو خبرنگار آمریکایی^۱ به دست نیروهای داعش، زمینه بیش از پیش برای تشکیل ائتلافی برای نابودی داعش فراهم شد. در سپتامبر ۲۰۱۴، رئیس جمهور ایالات متحده برای نخستین بار و به طور رسمی تشکیل ائتلاف بین‌المللی علیه داعش را در پایان نشست دو روزه کشورهای عضو ناتو پیشنهاد داد و چاک هیگل، وزیر دفاع این کشور نیز در همان جلسه اعضای ائتلاف را شامل آلمان، استرالیا، ایتالیا، بریتانیا، ترکیه، دانمارک، فرانسه، کانادا و لهستان دانست و تأکید کرد که ائتلافی بزرگ‌تر و گسترده‌تر از این برای مقابله با تهدید داعش لازم است و این ائتلاف مرکزی قرار است هسته آن شود (http://www.bbc.com/persian/world/2014/09/140905_u08_nato_core_coalition_fight_is). متعاقب این امر، در دو نشست جده و پاریس، کشورهای عربی و غربی نیز آمادگی خود را برای پیوستن به ائتلاف و مشارکت در عملیات اعلام کردند (<http://foreignpolicy.com/2014/11/12/who-has-contributed-what-in-the-coalition-against-the-islamic-state/>). در همین خصوص جنیفر ساکی، سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا نیز بیان داشت که ۴۰ کشور برای تشکیل ائتلاف علیه داعش اعلام موافقت کرده‌اند (<http://www.entekhab.ir/fa/news/180188>). در نهایت ائتلافی متشکل از ۶۰ کشور طی سه نشست (جده، پاریس و شورای امنیت) علیه داعش شکل گرفت. رهبری این ائتلاف و

۱. داعش پس از سیطره بر موصل در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ سلسله کلیپ‌های «عرب‌افکن» از عملیات سربریدن منتشر کرد که اولینش کلیپی تصویری به نام «پیامی به آمریکا» بود. در این فیلم یکی از اعضای این گروه تروریستی، سرگروگان آمریکایی «جیمز فولی» را از تنش جدا کرد. سازمان مزبور، مدت کوتاهی بعد، در ۲ سپتامبر ۲۰۱۴ فیلم دیگری منتشر کرد که آن هم همنام فیلم قبلی و در آن بریدن سرگروگان دوم آمریکایی «استیون سوتلوف» را به تصویر می‌کشید. برای مطالعه بیشتر، رک به: (فامیل زوار جلالی، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

تعیین سیاست‌های آن بر عهده ایالات متحده آمریکا قرار گرفت و کشورها کمک‌هایشان را به صورت هوایی، کمک‌های نظامی و نیروی زمینی در اختیار ائتلاف قرار دادند (طباطبایی لطفی و شارق، ۱۳۹۵: ۱۸۰). مطابق گزارش‌ها، «از سال ۲۰۱۴ تا فوریه ۲۰۱۶ نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده اقدام به ۶۷۶۳ حمله هوایی علیه داعش در عراق نموده‌اند» (Bannelier, 2016: 9).

مبنای حقوقی ورود ائتلاف به عراق و نوع مخاصمه‌ای که در عراق جریان دارد و اینکه با ورود ائتلاف تغییری در نوع مخاصمه ایجاد شده است یا خیر؟ همچنین ضرورت داشتن یا نداشتن رعایت مقررات بشردوستانه از سوی ائتلاف در مبارزه با داعش از جمله مسائلی است که تحقیق حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای آن‌هاست که در بخش بعدی بررسی خواهد شد.

ائتلاف بین‌المللی ضد داعش و حقوق مخاصمات بین‌المللی

اجرای حقوق بشردوستانه که بخشی از حقوق مخاصمات مسلحانه است و بر حمایت از قربانیان جنگ، رزمندگان مجروح، بیمار و اسیر، همچنین غیرنظامیان متأثر از جنگ و اشخاص غیرنظامی واقع در سرزمین اشغالی به وسیله دشمن نظارت می‌کند، منوط به وقوع یک جنگ یا به عبارتی مخاصمه مسلحانه است (نواده توپچی، ۱۳۹۳: ۳۰).

اگر مخاصمه مسلحانه‌ای آغاز شود، خواه قانونی یا غیرقانونی، مشروع یا نامشروع، باید قواعدی اعمال شود تا روابط خصمانه میان کشورهای درگیر را تنظیم کند. مقرراتی که آتش‌بس و موافقت‌نامه‌های ترک مخاصمه را تأمین، مبادله اسرا را تضمین و تسهیل و کاربرد سلاح‌های خاص و روش‌های نبرد مخرب را غیرمجاز اعلام و سرانجام از حقوق دولتهایی حمایت کند که در جنگ شرکت نمی‌کنند (نواده توپچی، ۱۳۹۳: ۳۱).

البته محدوده حقوق اجرا شده در یک مخاصمه مسلحانه بسته به داخلی یا بین‌المللی بودن یک مخاصمه، متفاوت خواهد بود. در تحقیق حاضر نیز بررسی مشروعیت اقدامات ائتلاف ضد داعش در عراق از لحاظ حقوق مخاصمات مسلحانه منوط به بررسی نوع مخاصمه در عراق قبل از ورود ائتلاف، مبنای توسل به زور از سوی ائتلاف، تغییر نوع مخاصمه در عراق با ورود ائتلاف و حقوق بشردوستانه قابل اجراست. در ادامه مسائل ذکر شده بررسی خواهد شد.

۱. نوع مخاصمه در عراق قبل از ورود ائتلاف

واقعیت این است که تا قبل از حملات ائتلاف امریکایی به مواضع داعش، آنچه در عراق می‌گذشت نبردی سخت میان نیروهای گروه تروریستی داعش با ارتش عراق، نیروهای پیشمرگه کرد و نیروهای مردمی بود که در کنار دولت عراق با تروریست‌ها می‌جنگیدند.

بنابراین، تا اینجای کار ماهیت نبرد در عراق، یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی که دربرگیرنده نبرد میان دو یا چند دولت باشد، نیست. از همین روی باید به دنبال این بود که آیا درگیری‌های میان داعش و ارتش عراق و سایر نیروهای مردمی، یک مخاصمه مسلحانه داخلی یا تنها در حد تنش و آشوب‌های داخلی است؟. به عبارت دیگر، سطح درگیری‌ها در عراق به آستانه یک جنگ داخلی رسیده است یا خیر؟. تعریف مخاصمات مسلحانه داخلی چندان سهل و ساده نیست. می‌باید ضوابط مختلفی را در نظر گرفت و چون دولت‌ها معمولاً از اعلام وقوع مخاصمات مسلحانه داخلی طفره می‌روند، نباید اختیار توصیف وضعیت جنگی را یکسره در اختیار آنان قرار داد (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

به طور کلی می‌توان گفت مخاصمه مسلحانه داخلی مخاصمه‌ای است که داخل سرزمین یک دولت رخ می‌دهد و نیروهای مسلح دولت دیگر در عملیات نظامی شرکت ندارند (راجرز و مالرب، ۱۳۸۸: ۴۴). مهم‌ترین منابع حاکم بر این نوع مخاصمات عبارت‌اند از: قواعد عرفی بشردوستانه، شرط مارتنس، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷. ماده ۳ مشترک، هیچ تعریفی از مخاصمات مسلحانه داخلی ارائه نکرده است، بلکه تنها در صدر ماده بیان شده است که: «چنانچه مخاصمه جنبه بین‌المللی نداشته باشد و در قلمرو یکی از دولت‌های متعاقد روی دهد هر یک از طرفین متخاصم مکلف است لاقلاً مقررات زیر را اجرا کند...». اما ماده ۱ پروتکل الحاقی دوم معیارهایی را برای توصیف مخاصمه مسلحانه داخلی ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از: ۱. تسلط شورشیان و گروه‌های مسلح مخالف بر بخشی از سرزمین به گونه‌ای که توانایی اجرای عملیات نظامی و اجرای پروتکل را داشته باشند؛ ۲. سازماندهی نیروها و داشتن فرماندهی مسئول.

این دو شرط هر دو همزمان باید جمع باشند تا بتوان گفت آنچه رخ داده است، مخاصمه مسلحانه مشمول پروتکل الحاقی دوم است. البته شرط نخست یعنی تسلط شورشیان بر بخشی از سرزمین به گونه‌ای که بتوانند پروتکل را اجرا کنند کمی سخت به نظر می‌رسد و درواقع با تحقق نیافتن این آستانه، بسیاری از مخاصمات مسلحانه داخلی از شمول این پروتکل خارج می‌شوند. البته باید خاطر نشان کرد تا زمانی که شروط ذکرشده حاصل نشود و به اصطلاح پروتکل به آستانه اجرایش نرسد، دست کم ماده ۳ مشترک بر آن مخاصمه حاکم خواهد بود (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷: ۸۶). به عبارت دیگر، می‌توان گفت میان ماده ۳ مشترک و ماده ۱ پروتکل الحاقی دوم، رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد به این معنا که، تمامی مخاصمات مسلحانه داخلی تحت پوشش پروتکل الحاقی دوم، تحت پوشش ماده ۳ مشترک قرار می‌گیرد، اما مخاصمه مسلحانه داخلی تحت شمول ماده ۳ مشترک، الزاماً تا زمانی که شروط مندرج در ماده ۱ پروتکل محقق نشود، مشمول آن نخواهد بود (شفیعی‌بافتی و سیدعلی‌هنجسی، ۱۳۹۲: ۲۵).

از آنجا که شرایط مقرر در پروتکل الحاقی دوم بسیار مشکل است، محاکم بین‌المللی را واداشت تا برای تسری حمایت‌های پیش‌بینی‌شده بر قربانیان مخاصمات مسلحانه، ضابطه دیگری را پیشنهاد کنند و آن ضابطه «طولانی‌بودن مدت» به جای تسلط بر سرزمین و اجرای پروتکل بود. برای مثال، دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در رأی ۲ اکتبر ۱۹۹۵ در قضیه «تادیچ» تعریف جدیدی از مخاصمات داخلی ارائه کرد. به نظر دادگاه یک مخاصمه مسلحانه داخلی زمانی واقع می‌شود که یک مخاصمه مسلحانه طولانی میان نیروهای حکومت و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته یا بین خود این گروه‌ها در قلمرو دولت استمرار یابد (I.C.T.Y, 1999, para.70). دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا نیز در قضیه «آکایه سو» به مفهوم طولانی‌بودن درگیری‌ها استناد کرده است. به نظر دیوان، وجود خشونت مسلحانه در خلال چند ماه نیز شرط طولانی‌بودن را تأمین می‌کند (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۳۶۰). اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز در قسمت و بند ۲ ماده ۸ بر معیار طولانی‌بودن مدت تأکید دارد. بدین ترتیب تسلط بر سرزمین و قدرت بر اجرای پروتکل از سوی شورشیان، شرط تحقق یک مخاصمه مسلحانه داخلی نیست و هر کدام از معیارهای ذکرشده یا طولانی‌بودن مدت برای شمول مقررات بشردوستانه بر چنین مخاصماتی کفایت می‌کند. البته ناگفته نماند که معیار طولانی‌بودن مدت، این اشکال را دارد که چیزی کاملاً نسبی است؛ یعنی چندان روشن نیست که مخاصمه چقدر باید طول بکشد تا بتوان آن را مخاصمه‌ای ممتد و طولانی توصیف کرد.

با ملاحظه آنچه در خصوص شروط تحقق یک مخاصمه مسلحانه داخلی گفته شد و با توجه به گذشت تقریباً دو سال از یورش همه‌جانبه داعش به سرزمین عراق و تسلط بر بخشی از سرزمین‌های این کشور، از جمله استان‌های صلاح‌الدین، نینوا، دیالی، بابل و سامرا، سازمان‌یافته بودن گروه داعش به دلیل سلسله‌مراتب سازمانی و توانایی انجام عملیات نظامی گسترده و استفاده از سلاح‌های سبک و سنگین در عملیات خود و متقابلاً استفاده ارتش عراق از تسلیحات سنگین زمینی و هوایی علیه آن‌ها، می‌توان گفت که عراق درگیر یک مخاصمه مسلحانه داخلی شده است و به همین دلیل طرفین درگیری ملزم به رعایت حقوق بشردوستانه حاکم بر این نوع مخاصمه‌اند.

البته ممکن است ایراد شود که آنچه در عراق می‌گذرد بر خلاف سوریه که در آن طرف درگیر دولت بشار اسد، به دو دسته مخالفان دولت که شامل ارتش آزاد سوریه و شورای ملی مخالفان و تروریست‌هایی چون جبهه النصره و داعش و غیره‌اند، در عراق، این دولت درگیر جنگ با تروریسم است نه صرفاً شورشیان. از آنجا که تروریست‌ها به رعایت حقوق بشردوستانه تمایلی ندارند، نمی‌توان از اجرای حقوق جنگ در چنین وضعیتی سخن گفت. هرچند این دیدگاه درست است، اما باید تأکید کرد که حقوق بشردوستانه به‌منزله یک نظام حقوقی برای چنین وضعیت‌هایی که در آن یکی از طرفین درگیر به نقض شدید حقوق و مقررات جنگی

اقدام می‌کند نیز مقرراتی را پیش‌بینی کرده و آن تلقی چنین وضعیت‌هایی به‌منزله جنایت جنگی است که عاملان و متهمان به ارتکاب آن در سطح جهانی و ملی قابل تعقیب‌اند. از این رو به نظر نمی‌رسد، امکان نقض قواعد یک نظام حقوقی دلیل مناسبی برای نتیجه‌گیری در خصوص عدم قابلیت اعمال آن نظام حقوقی باشد. به‌ویژه اینکه مقررات کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بشردوستانه نه‌تنها قابلیت اعمال خود را بر اعمال تروریستی و به‌طور کلی سرکوب نظامی تروریسم استثنا نکرده، بلکه در مواردی نیز به تروریسم توجه کرده‌اند.^۱

۲. ورود ائتلاف ضد داعش به مخاصمه داخلی عراق و مبانی حضور آن

حق شروع به جنگ و استفاده از نیروی مسلح در روابط بین‌المللی یکی از موضوعات حقوق مخاصمات مسلحانه است. در هر نظام حقوقی حق توسل به زور محدود شده است و هیچ‌کس حق ندارد در هر شرایطی که خود لازم بداند به زور متوسل شود. به این امر بعد از انعقاد میثاق بریان-کلوگ (پاریس) و به‌ویژه منشور ملل متحد و قبول اصل عدم توسل به زور به‌منزله یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام بیش از پیش تأکید شد (ضیایی‌بیگدلی، ۱۳۷۳: ۲۷). به موجب بند ۴ ماده ۲ منشور کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی در هر کشوری منع شده‌اند. با اینکه این ماده کلیه اعضای ملل متحد را از توسل به زور منع می‌کند، فحواً ماده مزبور، به اعضا محدود نیست، بلکه به نظر می‌رسد این حرمت برای همه اعضا و اجزای جامعه بین‌المللی وضع شده باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رویه قضایی خود به مناسبت قضایای متعدد از جمله قضیه تنگه کورفو و قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی علیه نیکاراگوئه، موضوع توسل به زور و مداخله در امور داخلی کشورها را بررسی و آن را به هر شکلی که باشد ممنوع کرده است (کرم زاده، ۱۳۸۲: ۱۷۱). برای مثال، در رأی نیکاراگوئه، دیوان بین‌المللی دادگستری قاعده منع توسل به زور را به‌منزله قاعده حقوق بین‌الملل عرفی که برای همه کشورها الزام‌آور است، معرفی می‌کند (Cassese, 1998: 893).

با این حال در پرتو این اصل، ممنوعیت توسل به زور مطلق نیست و استثنائاتی نیز دارد. اولین استثنا مربوط به حق دفاع مشروع جمعی و فردی در صورت حمله مسلحانه علیه یکی از اعضای ملل متحد است. دومین استثنا مربوط به اقدامات شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است (موسوی، ۱۳۸۶: ۱۵۹). در کنار این دو استثنا باید از رضایت یک دولت

۱. قابلیت اعمال حقوق بشردوستانه در مبارزه با تروریسم مورد توجه ضمنی برخی قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت قرار گرفته است. برای مثال، می‌توان به قطعنامه ۵۳/۱۰۸ مجمع عمومی در سال ۱۹۹۹ و قطعنامه‌های ۱۴۵۶ (۲۰۰۳) و ۱۶۲۴ (۲۰۰۵) شورای امنیت اشاره کرد.

و دعوت وی برای ورود نیروهای مسلح دولت خارجی به منظور سرکوب مخالفان و شورشیان داخلی نیز نام برد. چون در این حالت مبنای ورود نیروهای حافظ صلح دولت خارجی در سرزمین دولت دیگر، رضایت و درخواست دولت اخیر است، این امر دیگر توسل به زور تلقی نمی‌شود تا از آن به مثابه یک استثنا یاد کرد. از آنجا که مبنای ورود و حمله نیروهای ائتلاف ضد داعش، درخواست دولت عراق است، لذا در ادامه تنها به بررسی همین مورد اکتفا و از توضیح دو استثنا یاد شده خودداری می‌کنیم.

۲.۱. رضایت یا دعوت از مداخله خارجی

در بسیاری از موارد، متخلفانه بودن عمل ارتكابی به لحاظ تجاوز به حق دولت قربانی است از این رو، بدیهی است که در صورت رضایت وی به آن عمل خاص، رکن عدم مشروعیت آن عمل زایل می‌شود و عمل اخیر وصف متخلفانه خود را از دست می‌دهد.^۱ به عبارت دیگر، در صورتی که دولتی به عملی رضایت دهد که در نبود این رضایت آن عمل نقض تعهد بین‌المللی به شمار آید، آن رضایت به منزله توافقی میان آن دو تابع، مبنی بر زایل کردن وصف بالقوه غیرقانونی آن عمل است (زمانی، ۱۳۹۲: ۱۸۲). روزانه مشاهده می‌شود که دولت‌ها به رفتار دیگر دولت‌ها رضایت می‌دهند، رفتاری که بدون چنین رضایتی، نقض تعهد بین‌المللی محسوب می‌شود. نمونه‌های این امر عبارت‌اند از: عبور از حریم هوایی یا آب‌های داخلی یک دولت، قراردادن تسهیلات در قلمرو او یا انجام تحقیقات یا جستجو در آن‌ها و غیره (ابراهیم‌گل، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

در عرصه حقوق بشردوستانه نیز رضایت یا دعوت از مداخله خارجی بدین مفهوم است که دولت مرکزی در نبرد با شورشیان می‌تواند از دولت‌های خارجی دعوت کند تا با مداخله نظامی در کشورش، شورشیان را سرکوب کند. بدین ترتیب توسل به زور جز در موارد دفاع مشروع یا ترتیبات مقرر در فصل هفتم منشور، نقض حقوق بین‌الملل به شمار می‌آید، اما چون توسل به زور در قالب مفهوم دعوت از مداخله خارجی در چارچوب «دعوت» صورت گرفته از سوی دولت اصلی انجام می‌شود، نمی‌تواند نقض قاعده امره ممنوعیت توسل به زور به شمار آید.

در گذشته بین سه وضعیت ناآرامی، شورش و جنگ داخلی تمایز قائل می‌شدند و با توجه به تحقق هر یک از این وضعیت‌ها، حکم خاصی را مستقر می‌دانستند. در وضعیت ناآرامی که در بردارنده پایین‌ترین حد خصومت است، کنترل سرزمین همچنان در دست دولت حاکم است، لذا امکان مداخله به نفع دولت است. حالت شورش مرتبه‌ای شدیدتر از ناآرامی است و زمانی محقق می‌شود که بخشی از سرزمین به دست شورشیان می‌افتد، در این حالت دیگر شورشیان صرفاً یک گروه قانون‌شکن نیستند و دولت‌های خارجی نباید به هیچ‌یک از طرفین مخاصمه

۱. شایان یادآوری است چنین رضایتی باید قبل یا مقارن با عمل ادعایی ابراز شده باشد.

کمک کنند. در وضعیت سوم که اعمال حاکمیت از سوی دولت و گروه شورشی در یک سطح قرار گرفته است، دولت خارجی می‌تواند به نفع هر کدام از آن‌ها وارد مداخله شود. توضیح اینکه وضعیت سوم که همان جنگ داخلی است و در شرایطی محقق می‌شود که میزان کنترل شورشیان بر کشور به همان سطح و میزان کنترل دولت برسد یا حتی از آن فراتر برود. در این صورت دولت‌های خارجی می‌توانند طرفین مداخله را به‌منزله «طرف متخاصم» شناسایی و از آن حمایت کنند (Le Mon, 2003: 754-756).

اما حقوق بین‌الملل معاصر در پرتو مقررات منشور ملل متحد رویکردی متفاوت اتخاذ کرده است. کنگره آمریکا هنگام بحث درخصوص تصویب پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بر این نظر بود که اگر ناآرامی‌های داخلی یا انقلاب مورد حمایت قدرتی خارجی قرار گیرد، تلقی چنین کمکی به‌منزله تجاوز خواهد بود (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۳: ۲۶). در قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی ملل متحد، این نوع مداخله که هدف از آن تغییر رژیم دولتی دیگر از طریق اعمال خشونت است، قویاً محکوم شده است. «اعلامیه راجع به غیر قابل قبول بودن مداخله در امور داخلی دولت‌ها و حمایت از استقلال و حاکمیت آن‌ها» که در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ به تصویب مجمع عمومی رسید، تأیید می‌کند که: «... هیچ دولتی فعالیت‌های خرابکارانه، تروریستی یا مسلحانه با هدف تغییر خشونت‌آمیز رژیم دولتی دیگر را سازماندهی، کمک، تحریک یا تحمل نخواهد کرد، همچنین در منازعه داخلی دولتی دیگر مداخله نخواهد کرد» (A/RES/2131(XX), 21 December 1965). در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه میان دولت‌ها طبق منشور ملل متحد که در ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ به تصویب همان رکن رسید، رویکرد مشابهی اتخاذ شده است (A/RES/2625(XXV), 24 October 1970). اصولی که این قطعنامه اعلام می‌کند عموماً منعکس‌کننده حقوق بین‌الملل عرفی است. از سوی دیگر، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه نیکاراگوئه با تفکیک میان حکومت و گروه شورشی، به حکومت حق دعوت از دول خارجی به مداخله را می‌دهد، اما کمک به گروه شورشی را مغایر مقررات حقوق بین‌الملل و اصل منع مداخله می‌داند. همچنین، دیوان در قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو، بار دیگر بر رویه پیشین خود تأکید کرد و مداخله دولت اوگاندا در مداخله داخلی کنگو را نقض اصول منع مداخله و ممنوعیت توسل به زور تشخیص داد (عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۹).

بررسی رویه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز نشان می‌دهد که هرچند برخی حقوق‌دانان بر این نظرند که پس از جنگ جهانی دوم موارد زیادی از مداخلات به نفع گروه‌های مخالف دیده شده است و از این رو اصل ممنوعیت مداخله به نفع گروه‌های مخالف را به چالش کشیده‌اند، رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که دولت‌های مداخله‌گر عموماً مدعی حق قانونی به‌منظور کمک‌رسانی به گروه شورشی نبوده‌اند و این مداخلات معمولاً به صورت آشکار انجام نشده و

اعطای هرگونه کمک اصولاً انکار شده یا در مواردی که دولت مداخله‌گر وجود مداخله را پذیرفته، گروه مربوطه را به‌منزله دولت قانونی شناسایی کرده و دخالت خود را به‌منظور اجابت دعوت دولت قانونی توجیه کرده است. مؤید این ادعا آن است که در قضایای نیکاراگوئه و فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو، دول متهم به مداخله در امور داخلی (به ترتیب ایالات متحده آمریکا و اوگاندا) مدعی وجود حق حمایت از گروه‌های مخالف نبودند و مدعی شدند که از گروه‌های شورشی در چارچوب دفاع مشروع فردی یا دسته‌جمعی حمایت کرده‌اند. همچنین، دیوان هر دو قضیه مداخله خارجی را که مسبوق به دعوت حکومت مستقر باشد مطابق حقوق بین‌الملل معاصر، قانونی و مشروع اعلام کرد (عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۹).

همان‌طور که مشخص شد یکی از موارد مجاز توسل به زور در سرزمین یک دولت رضایت و دعوت وی از مداخله خارجی است. در عراق نیز، آنچه مبنای حمله و حضور نیروهای ائتلاف در سرزمین این دولت بوده، از مصادیق همین مورد است. همان‌طور که عنوان شد مقامات عراقی در سال ۲۰۱۴ از ایالات متحده آمریکا درخواست کمک نظامی و مداخله کردند تا بتوانند با داعش مقابله کنند. این اتفاق زمانی رخ داد که دولت مرکزی عراق کنترل خود را بر حدود یک پنجم سرزمین خود از دست داده بود. دولت ایالات متحده آمریکا نیز با صدور اعلامیه اوباما به این درخواست پاسخ مثبت داد (Statement by the President on ISIL, September 10, 2014, Ibid).

در نتیجه به موجب درخواست دولت عراق از ایالات متحده آمریکا و از آنجا که ایالات متحده به‌منظور پاسخ به همین درخواست و اجابت تمام و کمال آن، ائتلافی بین‌المللی تشکیل داده و دیوان مداخله دولت خارجی که مسبوق به دعوت حکومت مستقر باشد را مطابق حقوق بین‌الملل دانسته است، ورود ائتلاف به عراق از مشروعیت حقوقی برخوردار است. توضیح آنکه مبنای عملیات ائتلاف ضد داعش در عراق، به دلیل رضایت و دعوت دولت عراق، مشروعیت یافته است، اما چنین مبنایی در خصوص سوریه وجود ندارد. دولت سوریه هیچ‌گاه به‌صراحت رضایت خود را به عملیات نظامی ائتلاف آمریکا علیه داعش ابراز نداشته است و هیچ‌یک از دولت‌های شرکت‌کننده در این ائتلاف نیز رضایت دولت سوریه را به‌منزله مبنای قانونی عملیات خود اعلام نکرده‌اند (Arimatsu & Schmitt, 2014: 9). سوریه حتی به صورت علنی قبل از شروع حملات اظهار داشته بود که آن حملات ناقض حقوق بین‌الملل خواهند بود. در یک کنفرانس مطبوعاتی که در ۲۵ اوت ۲۰۱۴ برگزار شد، وزیر خارجه سوریه، ولید المعلم، به دولت آمریکا اخطار داد که به هیچ‌گونه حمله هوایی در خاک سوریه علیه داعش بدون رضایت دولت سوریه اقدام نکند و بیان داشت که این قبیل حملات «تجاوز» به شمار می‌آیند. وی همچنین اظهار داشت که سوریه آماده هرگونه تلاش و همکاری در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای جنگ با ترور است، اما هرگونه تلاش برای مبارزه با تروریسم باید با هماهنگی دولت

سوریه باشد (Arrington Sliney, 2015: 12). رئیس جمهور سوریه نیز در یکی از گفتگوهایش بیان کرد: «دولت سوریه حاضر به همکاری است، اما اجازه مداخله نظامی ائتلاف در سوریه را نمی‌دهد» (Reuters January 26, 2015). در نتیجه عملیات ائتلاف ضد داعش در عراق مشروع، اما در سوریه فاقد وجهت قانونی است.

نوع مخاصمه در عراق بعد از ورود ائتلاف

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد با توجه به معیارهایی از جمله، تسلط داعش بر بخشی از سرزمین عراق، طولانی‌بودن مدت منازعه، سازمان‌یافته بودن گروه مزبور، نوع ادوات و تجهیزات جنگی به‌کاررفته از سوی داعش و دولت عراق، آنچه در این کشور می‌گذرد، حکایت از یک مخاصمه مسلحانه داخلی دارد. اما سؤال این است که با ورود ثالث (ائتلاف بین‌المللی) به پشتیبانی از عراق، نوع مخاصمه تغییر خواهد کرد و آن را به یک مخاصمه بین‌المللی تبدیل می‌کند؟

به استناد بند ۱ ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ منظور از مخاصمه مسلحانه بین‌المللی، جنگ میان دو یا چند دولت است؛ مانند جنگ ایران و عراق، جنگ ایالات متحده آمریکا با عراق. بنابراین، تا اینجای کار چون داعش یک دولت نیست،^۱ جنگ میان این گروه تروریستی و ائتلاف کشورها، مخاصمه مسلحانه بین‌المللی تلقی نمی‌شود، اما مخاصمه مسلحانه بین‌المللی ممکن است به شکل منازعه مستقیم میان دو یا چند دولت نباشد، بلکه به‌واسطه مداخله دولت یا دولت‌های ثالث در یک مخاصمه داخلی، مخاصمه مزبور از یک مخاصمه «داخلی» به «داخلی بین‌المللی شده» و گاه در پاره‌ای از موارد به «بین‌المللی» تغییر حالت دهد.

مخاصمه مسلحانه‌ای را که در گذشته در یمن جاری بود، می‌توان مثال خوبی برای توصیف این قسم از مخاصمات به حساب آورد. آتش مخاصمه مسلحانه در یمن از ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ با شروع درگیری میان ناراضیان صعده که بعدها به گروه مسلح شورشی الحوثی معروف شدند، در

۱. رویه بین‌المللی و حتی آموزه‌های حقوق‌دانان بین‌المللی، مؤید این امر است که صرف وجود کنترل بر بخشی از سرزمین و جمعیت آن، از سوی یک بازیگر وصف دولت‌بودن را به نهاد مزبور اعطا نمی‌کند؛ زیرا علاوه بر سرزمین و جمعیت، برای تشکیل دولت و داشتن صلاحیت برای ایجاد روابط بین‌المللی با سایر دولت‌ها یک حاکمیت مؤثر در حقوق بین‌الملل معاصر امری بدیهی و ضروری است (زمانی، ۱۳۹۴: ۱۲۷). بدین ترتیب، می‌توان گفت گروه تروریستی داعش، برخی عناصر مورد نیاز برای تشکیل یک دولت را دارد، اما از آنجا که هیچ کشوری تاکنون آن را شناسایی نکرده است و به‌ویژه اینکه در تروریستی‌بودن آن وفاق وجود دارد نمی‌توان آن را یک دولت دانست. به عبارت دیگر، یک نوع عدم شناسایی جمعی در این مورد وجود دارد که مانع پذیرش داعش به‌منزله یک دولت می‌شود.

شمال یمن با نیروهای نظامی حکومتی یمن و قبایل طرفدار حکومت شعله‌ور شد. از سال ۲۰۰۴ به بعد چند دوره درگیری مسلحانه با ماهیت داخلی محض میان شورشیان الحوثی و حکومت یمن وجود داشته است. اوج منازعات به آگوست ۲۰۰۹ برمی‌گردد که طی آن حکومت یمن با نقض موافقت‌نامه صلح دوحه، که با میانجی‌گری دولت قطر منعقد شده بود، با همراهی قبایل اهل سنت ساکن صعدہ عملیاتی را با نام زمین سوخته با هدف پاک‌سازی شمال یمن از شیعیان زیدی آغاز کرد. گروه‌های شورشی دیگری نیز علاوه بر شورشیان الحوثی با اهداف جداگانه و خاص خود، درگیر منازعه مسلحانه داخلی شدیدی با نیروهای نظامی حکومتی شدند. به موجب حقوق بین‌الملل، مخاصمه آغاز شده از سال ۲۰۰۴ در یمن میان نیروهای نظامی حکومتی و شورشیان در شمال و جنوب یمن از لحاظ ماهیت، یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی بوده است، اما ورود نیروهای نظامی دولت‌های خارجی چون عربستان و اردن در مخاصمه داخلی یمن و مداخله آن‌ها در این مخاصمه به منظور پشتیبانی و حمایت از نیروهای نظامی حکومتی یمن موجبات تغییر ماهیت مخاصمه را فراهم آورده است. از این رو مخاصمه از حد داخلی فراتر رفته و به داخلی بین‌المللی شده تغییر ماهیت داده است (شفیعی‌بافتی و هنجنی، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۲).

وضعیت در عراق هم بدین صورت است؛ یعنی جنگ در عراق یک جنگ داخلی است، اما از زمان ورود ائتلاف در حمایت از عراق به یک «مخاصمه داخلی بین‌المللی شده»، تبدیل شده و ابعاد بین‌المللی یافته است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز در پیش‌نویس سال ۱۹۷۱ که به کنفرانس کارشناسان دولتی در خصوص تدوین و توسعه حقوق بشردوستانه ارائه داده، عنوان داشته است: «زمانی که در یک مخاصمه غیربین‌المللی، طرفین متخاصم (هر دو یا تنها یک طرف)، از مساعدت عملیاتی، مالی یا اجرایی نیروهای مسلح دولت ثالث منتفع شوند، مخاصمه مزبور تحت‌الشمول قواعد بشردوستانه قابل اعمال در مخاصمات بین‌المللی واقع و دیگر داخلی محض نخواهد شد» (ICRC, 1971, para 295).

بنابراین، چنین منازعه‌ای مخاصمه داخلی است که به واسطه ورود و مداخله یک کشور ثالث فقط ابعاد بین‌المللی یافته و ابعاد داخلی خود را از دست داده و به یک جنگ بین‌المللی تمام عیار تبدیل شده است.

حقوق بشردوستانه قابل اجرا

حقوق بشردوستانه بین‌المللی به طور کلاسیک بر درگیری‌های مسلحانه‌ای اعمال می‌شود که در سرزمین معینی میان دو یا یک دولت، یک گروه مسلح سازمان‌یافته یا میان چنین گروه‌هایی رخ می‌دهد. برای مثال، در مخاصمه داخلی عراق، قبل از ورود ائتلاف، حقوق

بشردوستانه بین المللی ناظر مخاصمات داخلی اعمال شده بود؛ یعنی ماده ۳ مشترک و پروتکل الحاقی دوم و سایر قواعدی که عرفی شده است. اما در حالت فعلی که ائتلاف بین المللی امریکایی نیز در حال نبرد با داعش است، آیا قواعد حقوق بشردوستانه داخلی باید رعایت شود یا بین المللی؟

اگر اقدامات ائتلاف ضد داعش در حمایت از دولت عراق و تنها برای سرکوب تروریست‌های داعش در سرزمین عراق را در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد که چنین مخاصمه‌ای همچنان باید داخلی تلقی شود، زیرا به لحاظ نظری نیز، ورود دولت‌های ثالث به سرزمین دولت درگیر مخاصمه داخلی، نوعی کمک به دولت مرکزی در مبارزه با تروریست‌ها در نظر گرفته می‌شود که خدشه‌ای به ماهیت غیربین المللی درگیری نمی‌زند، زیرا شاهد رویارویی حقوقی دو دولت نیستیم. در نتیجه هر چند به لحاظ ورود ثالث، جنگ داخلی از حالت سنتی محض خود خارج می‌شود و ابعادی بین المللی می‌یابد، اما همچنان باید آن را داخلی دانست و قواعد حقوق بشردوستانه بین المللی ناظر به مخاصمات داخلی را بر آن اجرا کرد. این نکته را نیز باید یادآوری کرد که نظریه بین المللی شدن مبتنی بر توسعه مصادیق درگیری‌های مسلحانه بین المللی است که به نظر نمی‌رسد چنین توصیفی با اصول و اهداف منشور سازمان ملل متحد در منع و جلوگیری از درگیری‌های مسلحانه موافق باشد.

بنابراین، دولت‌های شرکت‌کننده در ائتلاف بین المللی ضد داعش ملزم‌اند حقوق بین الملل بشردوستانه را که بخشی از تعهد آن‌ها در رعایت حقوق بین الملل است، رعایت کنند. این تعهد در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز ذکر شده است. ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌ها این الزام را به گونه‌ای گسترش داده است که بتواند موضوع الزام تضمین رعایت حقوق بشردوستانه را دربر گیرد (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۷۰). بنابراین، براساس تعهد و التزام مندرج در ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و قاعده ۱۳۹ حقوق بشردوستانه عرفی، در مخاصمات مسلحانه داخلی نیز هر یک از طرف‌های مخاصمه، باید حقوق بین الملل بشردوستانه را از طریق نیروهای مسلح خود، نیروهای تحت نظارت خود یا دیگر اشخاص و گروه‌هایی که درواقع تحت امر یا طبق دستور یا کنترل آن‌ها عمل می‌کنند، رعایت و آن را تضمین کنند. مبنای دیگر تعهد و التزام اعضای ائتلاف به قواعد بشردوستانه، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی دوم است. از آنجا که اکثر دولت‌های شرکت‌کننده در ائتلاف، در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو عضویت دارند، ملزم‌اند مفاد ماده ۱ و ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را در قالب تعهدات قراردادی و حقوق عرفی (به دلیل ماهیت عرفی این مواد) رعایت کنند. دیوان در قضیه نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶ اعلام کرد که ماده ۳ مشترک، موجد معیارهای حداقلی اعمال شده در هر مخاصمه مسلحانه است و منعکس‌کننده همان مفاهیمی است که دیوان در سال ۱۹۴۹ در قضیه کانال کورفو از آن‌ها تحت عنوان ملاحظات اساسی

بشریت یاد کرده است (ICJ, 1986:para 218). از آنجا که این ماده دربرگیرنده اصول احترام به کرامت انسانی است، کلیه متخاصمان باید به منزله قواعد آمره در مخاصمات داخلی آن را رعایت کنند. بنابراین، مفاد آن برای همه دولت‌ها اعم از عضو و غیرعضو الزامی است (توکلی‌طبسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۶).

همچنین، اگر برخی از این دولت‌ها به پروتکل الحاقی دوم نپیوسته باشند، حداقل ملزم‌اند تضمین‌های بنیادین و اساسی مندرج در بند ۲ ماده ۴ و ۶ پروتکل را که منطبق بر ماده ۳ مشترک اند و جنبه عرفی نیز یافته‌اند، رعایت کنند. بنابراین، در اینکه برخی مقررات پروتکل جزو قواعد بنیادین بوده و نسبت به دولت‌های غیرعضو الزامی است، تردیدی نیست. علاوه بر تعهدات قراردادی، ائتلاف بین‌المللی ضد داعش متعهد به رعایت قواعد عرفی بشردوستانه حاکم بر مخاصمات داخلی نیز هست. مهم‌ترین نقش قواعد بشردوستانه عرفی که حاصل رویه و عملکرد دادگاه‌ها و محاکم ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و بیانیه‌های دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و گروه‌های نظامی است، در حوزه مخاصمات داخلی آن است که دامنه قواعد مزبور از ترتیبات و مقررات مندرج در ماده ۳ مشترک و پروتکل الحاقی دوم فراتر می‌رود و خلأ موجود در قواعد معاهده‌ای حاکم بر مخاصمات مسلحانه داخلی به‌ویژه در خصوص ممنوعیت و محدودیت جنگ‌افزارها و شیوه‌های جنگی را رفع می‌کند. مزیت دیگر حقوق عرفی، فراگیر بودن آن است، بدین ترتیب مفاد معاهداتی که بیانگر اصول حقوق عرفی است برای کلیه دولت‌ها اعم از عضو و غیرعضو الزام‌آور است (توکلی‌طبسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۶).

نتیجه‌گیری

در دنیای امروز توسل به زور علیه یک دولت امری ممنوع و بر خلاف مقررات بین‌المللی است و مسئولیت دولت متخلف را به دنبال خواهد داشت، اما این اصل که به یک قاعده آمره بین‌المللی تبدیل شده است استثنائاتی دارد که یکی از آن‌ها رضایت و دعوت از مداخله دولت‌های ثالث در سرزمین دولت درخواست‌کننده است. ائتلاف بین‌المللی ضد داعش نیز که براساس رضایت و به درخواست دولت عراق برای سرکوب گروه تروریستی داعش تشکیل شد، از مصادیق همین استثناست. بدین ترتیب اصل ورود و اقدامات این ائتلاف در سرزمین عراق قانونی است. همچنین، از لحاظ حقوق مخاصمات مسلحانه با ورود ائتلاف بین‌المللی به عراق، ماهیت مخاصمه داخلی که در عراق جریان داشته است تغییری نکرد و تنها ابعادی بین‌المللی یافت. بنابراین، ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی دوم قابلیت اجرا می‌یابند و هم از سوی دولت عراق و ائتلاف و هم از سوی تروریست‌ها باید رعایت شود. علاوه بر این مقررات معاهده‌ای، اکثر قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز عرفی شده‌اند که با توجه

به ماهیت عرفی آن‌ها لازم‌الاجرا هستند و طرفین درگیر در عراق باید به مفاد آن پایبند باشند.

منابع

الف) فارسی و عربی

۱. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۸۹). *مسئولیت بین‌المللی دولت*، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، تهران: شهر دانش.
۲. ابوهنیه، حسن (۱۳۹۳). «آشنایی دقیق با ساختار سازمانی داعش»، *مجله رمز عبور*، شماره ۸.
۳. آرزومانیان، راجیا و آکوپیان، آرمینه (۱۳۹۴). *داعش و جبهه‌النصره چگونه می‌جنگند؟*، ترجمه داوود اقبالی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۴. تودنهورف، یورگن (۱۳۹۴). *ده روز با داعش*، ترجمه علی عبداللهی و زهرا معین‌الدینی، تهران: کوله‌پشتی.
۵. توکلی طیبی، علی و منصور، فرنگیس (۱۳۹۴). «تعهد و التزام متخاصمین به قواعد بشردوستانه داخلی سوریه»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۲.
۶. خندان، علی‌اصغر (۱۳۹۴). *خوارج و داعش*، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری.
۷. خواجه، محمد (۲۰۱۴). «داعش: منابت، أسالیب و تأثیرات»، *فصیله شؤون الأوسط*، مرکز الدراسات الاستراتيجية، السنة الرابعة و العشرون، العدد ۱۴۹.
۸. راجرز، آنتونی پ. و. و پل مالرب (۱۳۸۸). *قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه*، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران: امیرکبیر.
۹. زرگری‌نژاد، نسیم (۱۳۹۳). «نشست فوق‌العاده شورای حقوق بشر در خصوص وضعیت عراق»، *مجله تازه‌های ملل متحد*، شماره ۴۰.
۱۰. زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۴). «ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر دولتی؟»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، سال اول، شماره ۱.
۱۱. زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۲). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: شهر دانش.
۱۲. سالنمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۳. سیاه‌رستمی، هاجر و همکاران (۱۳۹۰). *حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)*، تهران: مؤسسه آموزش عالی علمی-کاربردی هلال احمر.
۱۴. شفیعی‌بافتی، نگین و هنجنی، سیدعلی (۱۳۹۲). *ابعاد حقوقی بین‌المللی مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی*، تهران: میزان.

۱۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۳). حقوق جنگ، تهران: علامه.
۱۶. عبداللهی، محسن (۱۳۸۸). تروریسم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران: شهر دانش.
۱۷. عزیزی، ستار (۱۳۹۰). «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تأکید بر رأی دیوان در قضیه فعالیت های نظامی در سرزمین کنگو»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال ۱۳، شماره ۳۳.
۱۸. فامیل زوار جلالی، امیر (۱۳۹۴). مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از تأمین مالی دهشت افکنی (تروریسم)، با تأکید بر گروه دهشت افکن (تروریستی) داعش، پایان نامه کارشناسی ارشد رشت، حقوق بین الملل، دانشگاه تهران.
۱۹. فامیل زوار جلالی، امیر و بهمنی جلالی، ابراهیم (۱۳۹۵). داعش؛ روایتی متفاوت از سازمان یافته ترین گروه تروریستی جهان، تهران: خرسندی.
۲۰. کرمزاده، سیامک (۱۳۸۲). «تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین الملل»، مجله حقوق تطبیقی تربیت مدرس، دوره ۷، شماره ۱.
۲۱. ممتاز، جمشید و رنجریان، امیرحسین (۱۳۸۷). حقوق بین الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی، تهران: میزان.
۲۲. ممتاز، جمشید و شایگان، فریده (۱۳۹۳). حقوق بین الملل بشردوستانه در برابر چالش های مخاصمات مسلحانه عصر حاضر، تهران: شهر دانش.
۲۳. موسوی، سیدفضل الله و حاتمی، مهدی (۱۳۸۶). «مداخله بشردوستانه؛ نقض قاعده یا استثنا سوم»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷، شماره ۱.
۲۴. نجات، سیدعلی (۱۳۹۵). کالبدشکافی داعش، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۲۵. نواده توپچی، حسین (۱۳۹۳). حقوق جنگ و مخاصمات مسلحانه، تهران: خرسندی.
۲۶. هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لوئیس (۱۳۸۷). حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین المللی صلیب سرخ، تهران: مجمع علمی - فرهنگی مجد.

(ب) انگلیسی

27. A/RES/2625(XXV), 24 October 1970
28. Cassese, Antonio, (1998), International law, 5th Edition, Cambridge
29. Clarion Project Research Fellow Elliot Friedland, Special Report The Islamic State, 2015, <http://www.clarionproject.org>
30. Declaration on the Inadmissibility of Intervention in the Domestic affairs of States and the protection of their Independence and Sovereignty, UN Doc. A/RES/2131(XX), 21 December 1965
31. ICRC, Report on the Work of Conference og Government Experts on the

- Reaffirmation and Development of International Humanitarian Law Applicable in Armed Conflicts, 1971
32. S/2014/691, 22 September 2014, Letter dated 20 September 2014 from the Permanent Representative of Iraq to the United Nations addressed to President of the UNSC, at 2.
 33. "Statement by the President on ISIL," September 10, 2014, available at: <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2014/09/10/statement-president-isil-1>
 34. Karine Bannelier, (2016), "Military Interventions Against ISIL in Iraq, Syria and Libya and the Legal Basis of Consent", Leiden Journal of International Law, Issue 3, Vol.29
 35. Christopher Le Mon, "Unilateral Intervention by Invitation in Civil War", international law and politics, Vol. 35, 2003, p 745- 746
 36. Arimatsu, Louise and Schmitt, Michael N., (2014), Attacking 'Islamic State' and the Khorasan Group: Surveying the International Law Landscape (November 18, 2014). 53 Columbia Journal of Transnational Law Bulletin 1
 37. Samantha Arrington Sliney, (2015), Right to Act: United States Legal Basis Under the Law of Armed Conflict to Pursue the Islamic State in Syria, 6 U. Miami Nat'l Security & Armed Conflict L. Rev. 1
 38. Tester, Jessica And J.M. Berger, (2016), ISIS: THE STATE of TERROR, Harper Collins Publishing

پایگاه‌های اینترنتی

39. <http://fa.alalam.ir/news/1631618/>
40. <http://fa.alalam.ir/news/1679185/>
41. <http://foreignpolicy.com/2014/11/12/who-has-contributed-what-in-the-coalition-against-the-islamic-state/>
42. http://www.bbc.com/persian/world/2014/09/140905_u08_nato_core_coalition_fight_is.
43. <http://www.clarionproject.org/analysis/isis-end-times-prophecies-justify-beheading-copts>.
44. <http://www.clarionproject.org/news/20000-yazidis-rescued-kurds-islamic-state-advances>.
45. <http://www.clarionproject.org/news/iraq-yezidi-minority-flee-their-lives-islamic-state>.
46. <http://www.entekhab.ir/fa/news/180188>
47. <http://www.hawzah.net/fa/news/view/97241/>
48. <http://www.entekhab.ir/fa/news/175524>
49. Reuters, "Assad seeks agreement over U.S. air strikes in Syria," January 26, 2015. Available At: <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-assad-idUSKBN0KZ0TZ20150126>.

قضیه‌ها

50. Military and Paramilitary activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America) I.C.J reports, 1986.

51. Prosecutor v. Tadic, I.C.T.Y, 15 Julay 1999.
52. Corfu channel case, (united Kingdom Of Great Britain and Northern Ireland v. Albania), I.C.J reports 1949
53. S/2014/440(25 June 2014),S/2014/691(22 September 2014).